

بلوغ دختران

به کوشش: مهدی مهریزی

فهرست مطالب

۳	پیش‌گفتار
۵	مقدمه
۱۳	رسالة فی البلوغ وحدّه؛ عبدالعالی بن علی بن عبدالعالی کرکی
۲۷	بلوغ؛ عباسعلی محمودی
۵۷	سنّ بلوغ برای ازدواج؛ عباس منتهاهی
۶۹	تحقیقی درباره سنّ بلوغ؛ سید محمد حسن مرعشی
۹۱	سنّ تکلیف؛ قاسم کریمی
۱۱۱	بلوغ دختران؛ مهدی مهریزی
۱۷۹	متی تصوم الجاریة؟؛ محمد هادی معرفت
۱۸۳	رسالة بلوغ؛ سید محمد جواد غروی اصفهانی
۲۲۹	سنّ بلوغ دختران؛ سید محمد موسوی بجنوردی
۲۳۷	نظریه تحوّل شریعت با تحوّل زمان سنّ بلوغ دختران؛ محمد ابراهیم جنّاتی
۲۴۵	بلوغ در نه سالگی، قول مشهور؛ محبوبه عباسقلی زاده (امّی)
۲۶۷	بلوغ، از دیدگاه فقهی و کارشناسی؛ محمد تقی فاضل میبدی
۲۸۱	بلوغ دختران؛ طبیعی یا فقهی؟؛ سید محسن سعیدزاده
۲۹۱	رسالة فی البلوغ؛ حسین یزدی اصفهانی
۳۰۵	بلوغ الذکر و الانثی؛ سید محمد حسینی کاشانی
۳۳۱	پژوهشی در بلوغ دختران؛ محمدعلی گرامی
۳۴۳	سنّ بلوغ؛ زهره صفاتی

پیش‌گفتار

دست‌یابی به فقهی نظام‌مند و پاسخ‌گوی پرسش‌های گوناگون، منوط به فهم مقاصد شریعت سمحه اسلامی و درک محکّمات کتاب و سنّت و تفسیر متشابهات در چارچوب آن‌هاست. هنگامی می‌توان دربارهٔ فروع فقهی نظری استوار و فتوایی راه‌گشا عرضه کرد، که اصول اساسی شریعت و حکمت‌های احکام دین درک شوند. امامان معصوم علیهم‌السلام همواره از پیروان خود خواسته‌اند که گفتارشان را چون آیات قرآن - که محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید و عام و خاص دارد - فهم کنند و از جمود بر روایتی و توقف در ظاهر حدیثی و عدم تعمق بپرهیزند. این آموزه، نصب‌العین فقیهان و متفکّهان در دین بوده و درخت تناور فقه زایندهٔ تأملات آنان در دو سرچشمهٔ فقه؛ یعنی قرآن و سنّت بوده است.

مسألهٔ بلوغ که یکی از شرایط تکلیف است، نیازمند همین تأملات فقیهانه است. بلوغ تنها پدیده‌ای زیستی نیست، که نشانهٔ رشد فکری و اجتماعی و نتیجتاً پذیرش مسؤولیت نیز به شمار می‌رود. مکلف کسی است که از نظر فقه اسلامی حقوق و تکالیفی دارد و می‌تواند در محدودهٔ خاصی از اختیارات خود استفاده کند. برای رسیدن به این مرحله هر کس نیازمند شرایطی از جمله بلوغ است. در این منظر بلوغ خود موضوعیّت ندارد، که امارهٔ تکلیف است و دلیل آن. بنابراین می‌توان دربارهٔ ماهیّت، نشانه‌ها و جلوه‌های آن گفت و گو کرد. لذا بحث از سنّ بلوغ، در حقیقت، گفت و گو از آمادگی برای تکلیف است و تن دادن به خطاب شارع. فقهی که از این زاویه به بلوغ و سنّ آن می‌نگرد، متوجه اهمیت فتوای خود می‌گردد و پی می‌برد که باید در چارچوب اصول کلی شریعت؛ مانند عدم تکلیف به مالایطاق، فتوا دهد و از توقف در ظواهر خودداری کند. فقهی که برای

مثال نه سالگی را، نشان تکلیف دختران می‌داند، باید به تمام لوازم فتوای خود تن بدهد. از این رو و با توجه به پاره‌ای تبعات ناخواسته، برخی از فقیهان از گذشته‌ها درباره نشان بلوغ و تکلیف دختران بحث کرده‌اند و راه را برای گفت و گوی بیشتر آیندگان گشوده‌اند.

مجموعه حاضر کوششی برای گردآوری و نمایاندن همه این تلاش‌های علمی به ترتیب تاریخی است. جناب حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی مهریزی، با دقتی و سواس‌گونه بحث‌ها و رساله‌های مختلف درباره بلوغ دختران را گرد آورده و پس از تحقیق و افزودن مآخذشناسی بلوغ - برای محققانی که در پی ادامه این راه هستند - آن را به صورتی مفید عرضه داشته‌اند. سعی شان مشکور باد. معیار‌گزینش نوشته‌ها، تازگی و داشتن بحث جدی و ترتیب قرار گرفتن شان براساس تاریخ نگارش آن‌هاست. امید که این مجموعه مقبول حضرت ولی عصر (عج) واقع گردد و صاحب‌نظران از آن بهره‌مند شوند و از ارائه نظرات خود، دریغ نکنند.

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی «پژوهشگاه»

مقدمه

رَبِّ حَامِلِ فِقْهِ الْإِسْلَامِ مِنْهُ.^۱

خاصیت گشوده بودن باب اجتهاد، رونق نقد و نظر و تکاپوی اندیشه‌هاست. در این رهگذر مسائل نوپیدا پاسخ داده شده و مسائل کهن مورد بازبینی و بازنگری قرار می‌گیرد.

در این بازنگری، گاه دلیلی محکم‌تر بر پاسخ گذشته ارائه می‌شود و گاه پاسخ پیشین با قالب نوینی عرضه می‌گردد، و چه بسا که پاسخ‌های جدید جای‌گزین پاسخ‌های کهن گردد. همه این‌ها لازمه طبیعی اجتهاد است. البته باید اذعان داشت که نباید اجتهاد از ضوابط خود خارج شود؛ بدین معنا که پژوهشگران عرصه‌های فقهت باید:

۱- دانش‌های لازم فقهت را دارا باشند.

۲- شیوه بحث‌های اجتهادی (رجوع به منابع دینی، جست و جو و فحص) را رعایت کنند.

۳- از تأویل‌های ناروا در متون روشن دینی پرهیز کنند.

۴- در اقوال و آرای فقیهان پیشین با دیده تعمق و تأمل بنگرند.

مسأله بلوغ به ویژه بلوغ سنّی دختران، سالیانی است که صاحب نظران را به خود مشغول کرده است و به حق، شایسته بازبینی و بازنگری است.

در این سال‌ها بحث‌های جدید و نسبتاً عمیقی در قالب رساله و مقاله به سامان رسیده که برخی به تثبیت آرای گذشته منتهی گشت و برخی به ارائه نظریه‌ای نو. در این

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۱؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۴۸، ح ۲۲.

مجموعه تلاش شده این رساله‌ها گردآوری شده، و سر و سامانی یابد تا زمینه‌ای برای پژوهش‌های آینده فراهم آید.

هدف رساله که غالب آن‌ها ویژه «بلوغ دختران» است و برخی نیز به بحث بلوغ به گونه‌ای عام (دختران و پسران) پرداخته‌اند، گرد آمده است. در تمامی رساله‌ها موضوع مهم و جدی، نشانه بودن سن بلوغ است و بر پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها که آیا سن، نشانه شرعی بلوغ است؟ و اگر نشانه شرعی است، چه سنی نشانه است؟، همت گمارده شده است. در ترتیب رساله‌ها، زمان نشر و نگارش منظور شده، تا سیر تاریخی مسأله و نحوه شکل‌گیری آرای نوین نمودار شود.

در این مقدمه ضمن مرور رساله‌ها، چکیده هر یک را می‌آوریم.

۱- رساله فی البلوغ وحده: این رساله که برای نخستین بار منتشر می‌شود، اثر «عبدالعالی کرکی» از فقیهان قرن دهم است. در این رساله از سن بلوغ دختران سخن گفته شده و نویسنده، به بررسی رأی مشهور (نه سالگی) پرداخته و ادله‌ای نیز بر خلاف آن اقامه کرده، اما در پایان آن را بر سایر نظریات ترجیح داده است.

۲- بلوغ: این مقاله قسمتی از کتاب حقوق اسلام شرایط تکلیف و مسؤولیت نوشته عباسعلی محمودی است. در این مقاله، ابتدا علایم و نشانه‌های بلوغ - که مورد اختلاف است - مطالعه و بررسی شده و در پایان مسأله «سن بلوغ دختران» در فقه شیعه مورد تأمل قرار گرفته است.

نگارنده در این مطالعه به این نتیجه رسیده که سن خاص، نشانه بلوغ نیست و اختلاف روایات نیز، ناشی از متفاوت بودن پرسشگران است.

۳- سن بلوغ برای ازدواج: این مقاله سال ۱۳۷۰ در مجله ندا چاپ شده است. نویسنده ضمن بحث، به سن بلوغ در قانون مدنی ایران می‌پردازد. وی معتقد است قانون مدنی ایران قبل از اصلاحات سال ۱۳۶۱، سن بلوغ را براساس شرایط اقلیمی، متفاوت و تغییرپذیر می‌داند، لکن پس از اصلاح قانون مدنی در سال ۱۳۶۱ سن بلوغ دختران نه سالگی دانسته شد و در نظر آنان (قانون‌گذاران) این، امری ثابت و تغییرناپذیر است.

نویسنده به طور ضمنی سن بلوغ دختران (نه سالگی) را تغییرپذیر دانسته و این را یکی از راه‌های جمع بین اخبار می‌داند.

۴- تحقیقی درباره سن بلوغ: این رساله که نخست در مجله قضایی و حقوقی دادگستری به چاپ رسیده، به بررسی نشانه بودن سن بلوغ دختران پرداخته است. نویسنده مقاله بر اساس شواهدی از روایات و نیز آمارهایی که نسبت به قاعدگی دختران فراهم آمده، سن را نشانه تعبدی بلوغ نمی‌داند، بلکه بر این عقیده است که ملاک بلوغ دختران، قاعدگی است.

۵- سن تکلیف: این مقاله که بخشی از آن در مجله تربیت به چاپ رسیده و در این جا تمامی آن عرضه می‌شود، در پی آن است که با شواهدی از آیات و روایات و پژوهش‌های جدید، نشان دهد که نمی‌توان ثه سالگی را سن بلوغ دختر دانست، بلکه در بلوغ، باید نشانه‌های طبیعی را در نظر گرفت. البته در پایان تصریح می‌کند که تعیین زمان خاص بلوغ یا شرایط دیگر به عهده علمای دین است.

۶- بلوغ دختران: در این مقاله موضوعات زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: حقیقت بلوغ؛ نشانه‌های خارجی و غالبی بلوغ؛ تأثیر آب و هوا در بلوغ؛ سن بلوغ در قوانین بشری؛ بلوغ شرعی و اماره‌های آن و اماره تعبدی بلوغ.

محور اصلی این مقاله سن بلوغ دختران است. آن چه به اثبات رسیده آن است که اولاً: سن، اماره شرعی نیست، بلکه اماره شرعی بلوغ در دختران، قاعدگی است. ثانیاً: اگر سن، اماره بلوغ باشد، ثه سالگی در همه تکالیف علامت بلوغ نیست. ثالثاً: اگر ثه سالگی اماره بلوغ در همه تکالیف باشد، با ادله معتبری که سیزده سالگی را مطرح کرده، معارض است و نمی‌توان به طور حتم ثه سالگی را علامت بلوغ دانست. بر این دعوای شواهدی از قرآن، احادیث و پژوهش‌های جدید اقامه شده است.

۷- متی تصوم الجاریة؟: این نوشته بخشی از مقاله استاد «محمد هادی معرفت» است که با عنوان حدّ الیأس و البلوغ در مجله الفکر الاسلامی منتشر شده است. نویسنده بر این باور است که وجوب روزه بر دختران، بر قاعدگی مبتنی بوده و ثه سالگی ملاک شرعی نیست. ایشان بر اساس روایات ارائه شده، شهرت فتوایی را در برابر نصوص بی‌اثر می‌داند.

۸- رساله بلوغ: این رساله در ضمیمه کتاب مبانی حقوق در اسلام نشر یافته است. نویسنده این مقاله بر این باور است که چون در کتاب و سنت معتبر، از سن، به عنوان

نشانه بلوغ یاد نشده، و تنها بر قاعدگی و احتلام تأکید شده است، اصول چهارگانه عدم تکلیف، برائت، استصحاب و تأخر حادث اقتضا دارد که نه سال را در دختر علامت بلوغ ندانیم.

نویسنده، روایاتی را که دال بر نشانه بودن نه سال است، از نظر سند و متن ضعیف دانسته و به جز این، آن‌ها را مخالف قرآن و سنت قطعیه می‌داند.

در ادامه، بیست و پنج حدیث از شیعه و اهل سنت آورده که ملاک بلوغ را احتلام و قاعدگی معرفی می‌کنند.

۹- سن بلوغ برای دختران: نویسنده این مقاله بر آن است که چون بلوغ یک امر طبیعی و تکوینی است؛ علامت و نشانه آن هم باید از سنخ خودش باشد؛ به تعبیر دیگر، چیزی که هویتش تکوینی است، اماره تکوینی می‌طلبد. از این رو، سنّ نمی‌تواند نشانه و علامت بلوغ باشد.

۱۰- نظریه تحول شریعت با تحول زمان: سنّ بلوغ دختران: در این مقاله ابتدا این قاعده کلی طرح شده که شریعت با تحولات زندگی تغییر نمی‌پذیرد، بلکه آن چه تحول‌پذیر است و در بستر دگرگونی قرار می‌گیرد، موضوعات احکام است.

یکی از موضوعاتی که با این قاعده مرتبط است، بلوغ دختران است. نویسنده بر این عقیده است که معیار بلوغ دختران قاعدگی است و روایاتی که سنّ نه سال را طرح کرده‌اند، معلّل به حیض هستند.

نویسنده بر این باور است که بلوغ دختران به گونه‌ای است که اگر قانون تحول را هم نپذیریم، باز ملاک آن، قاعدگی و حیض است.

۱۱- بلوغ در نه سالگی قول مشهور: در این نوشتار نخست، بلوغ و تکلیف در آیات قرآن مورد توجه قرار گرفته و به این نتیجه رسیده که سنّ در قرآن مطرح نیست. آن‌گاه به روایات نظر افکنده و آن‌ها را در سه بخش عبادی، جزایی و معاملات به بحث گذارده است. در جمع‌بندی روایات مربوط به امور عبادی آمده است که احتلام و قاعدگی و سیزده سال ملاک بلوغ است.

در امور جزایی از روایات چنین برداشت شده که نه سال برای دختران و پانزده سال برای پسران میزان تکلیف است.

نویسنده مقاله دربارهٔ معاملات بر این باور است که ملاکی که از روایات استفاده می‌شود، رشد است. وی پذیرفته که روایات همگون نیستند. پس از این، اقوال مذاهب چهارگانهٔ اهل سنت و رأی شیعه را نقل کرده است.

در پایان می‌گوید: سنّ نه سال برای دختران ریشه در قرآن و سنت ندارد و تنها ریشه واصل آن قول مشهور است که مجال تجدید نظر در آن وجود دارد.

۱۲- بلوغ از دیدگاه فقهی و کارشناسی: در این مقاله ابتدا با توجه به آیات قرآن چنین

نتیجه‌گیری شده که بلوغ امری تکوینی و طبیعی است و نشانهٔ آن نیز تکوینی است. پس از آن احادیث بلوغ را در سه دسته آورده است: ۱- روایاتی که فقط از سنّ بلوغ سخن گفته‌اند. ۲- احادیثی که سنّ را همراه قاعدگی و احتلام نشانه قرار داده‌اند. ۳- روایاتی که فقط از احتلام و قاعدگی سخن رانده‌اند. نویسنده در جمع بندی این سه دسته نوشته است که دستهٔ اول از احادیث باید بر مواردی حمل شود که رشد جنسی و عقلی حاصل است. از این رو، نشانه بودن سنّ، ریشهٔ قرآنی و حدیثی ندارد.

در پایان به نقل اقوال فقهای مذاهب پرداخته و رأی فقیهان شیعه را که در آن بر سنّ تاکید کرده‌اند، ناشی از رعایت جانب احتیاط و دوربودن از واقعیت‌های عینی زندگی می‌داند.

۱۳- بلوغ دختران؛ طبیعی یا فقهی؟ در این نوشتار نخست از سنّ بلوغ دختران در قانون

مدنی ایران، پس از اصلاحیهٔ سال ۱۳۶۱ بحث شده است و اصلاحیهٔ مادهٔ ۱۲۱۰ ق.م. را با شش اشکال مواجه می‌داند. وی معتقد است این اصلاحیه با شتاب تصویب شده و اشکال‌های فقهی و قانونی دارد.

پس از آن، سنّ بلوغ را در فقه طرح می‌کند و می‌نویسد که تعیین سنّ بلوغ از حوزهٔ کار فقیه بیرون است. فقیه باید فقط به بیان شروط تکلیف پردازد و از کاوش در ماهیت و هویت آن‌ها بپرهیزد. همان طور که هیچ فقیهی از ماهیت عقل و قدرت بحث نکرده، نباید در ماهیت بلوغ و نشانه‌های آن نیز غور کند. روایاتی هم که به تعیین سنّ پرداخته ارشادهایی است برای مردمان همان عصر.

۱۴- رسالهٔ فی البلوغ: این رساله که برای نخستین بار به چاپ می‌رسد به بحث از بلوغ

سنّی پسران و دختران اختصاص دارد. در آغاز، اقوال فقهای امامیه را آورده و سپس به

آرای اهل سنت نیز اشاره کرده است. نگارنده این مقاله، بر این باور است که شهرت، بلکه اجماع فقیهان شیعه بر بلوغ دختران در ۹ سال و پسران در پانزده سال منعقد شده است. دلیل رأی مشهور، احادیث فراوان و معتبر است. در پایان می‌گوید: روایت «عمار ساباطی» که سن سیزده سال را برای بلوغ معرفی کرده قابل عمل نیست؛ چرا که فقیهان از آن اعراض کرده‌اند.

۱۵- بلوغ الذکر و الانثی: این مقاله نیز که برای نخستین بار به چاپ می‌رسد، به بلوغ سنی پسران و دختران پرداخته است، که پس از نقل اقوال فقهی، بحثی گسترده در روایات را آغاز کرده است. وی روایات مربوط به سیزده سال را می‌پذیرد. پس از آن، روایات دیگر را آورده و در جمع‌بندی چنین می‌گوید: مقتضای جمع بین اخبار و استصحاب در فرض تعارض این است که دختر قبل از قاعدگی یا سیزده سال بالغ نمی‌شود. درباره پسران نیز سن سیزده سالگی را ملاک بلوغ می‌داند.

۱۶- پژوهشی در بلوغ دختران: این مقاله که تقریر درس نویسنده آن است، به سن بلوغ دختران اختصاص دارد.

ایشان در ابتدا چنین می‌گوید: اگر ملاک بلوغ تنها احتلام و حیض باشد، تکالیف اجتماعی با عسر و حرج مواجه می‌شود؛ زیرا راه احراز آن دشوار است. پس از آن به ذکر روایات ۹ سال پرداخته و آن‌ها را مورد استناد قرار می‌دهد.

به سند و دلالت روایات دال بر سیزده سال اعتراض می‌کند و می‌گوید در برخی از آن‌ها صبیان آمده که جمع صبی است نه صبیّه.

گذشته از آن که، عمار ساباطی که راوی یکی از این احادیث است، به نقل احادیث شاذ مشهور است، و متن حدیث وی، مورد اعراض مشهور قرار گرفته است. پس از بحث روایی، سخنانی را از فقهای شیعه به عنوان شاهد آورده است.

۱۷- سن بلوغ: این مقاله در دی ماه ۱۳۷۵ در یکی از روزنامه‌ها منتشر شد. در این مقاله پس از تحلیل روایات، سن ۹ سالگی را، ملاک بلوغ دانسته است، و معتقد است روایتی که بر سیزده سالگی دلالت دارد، قابل استناد نیست.

۱۸- سن البلوغ في المرأة: این مقاله نقدی است بر رساله متی تصوم الجارية. نویسنده معتقد است بلوغ سنی دختران شرعی است، و حد آن ۹ سالگی می‌باشد. وی روایات